

مناظر برجسته این فاجعه شگفت آور

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



مناظر برجسته این فاجعه شگفت آور

شمردن بعضی وقایع برجسته این فاجعه شگفت آور برای خواننده این صفحات که مطلع بر تاریخ امر باشد کافی است تا سوانحی را که برای امر پیش آمده و دنیا با چنان برودت و عدم اعتنای حیرت آور بان ناظر بوده بخاطر آورد انزوای اجباری و ناگهانی حضرت بهاءالله در کوههای سلیمانیه و نتایج حزن آوری که از این دو سال گوشه گیری بوجود آمد - تحریکات متوالی که علمای شیعه در نجف و کربلا با مشارکت دائمی همقطاران خود در ایران پیا میگردند تشدید اقدامات ظالمانه سلطان عبدالعزیز که منجر بعصیان چند تن از معاریف جماعت تبعید شدگان گردید - اجرای دستور دیگری از همان سلطان جابر راجع بتبعید هیکل مبارک به ابعد و اخرج بلاد که بالتلیجه چنان یاسی در بین آن جمع تولید کرد که دو نفر از آنها به دست خویش جان خود را فدا نمودند - مراقبت بدون وقفه که پس از ورود بعکا از طرف - مامورین بدخواه دولتی نسبت بانها مرعی میشد و حبس غیر قابل تحمل در قشله آشهر که دو سال طول کشید - مجالس استنطاقی که پاشای عثمانی بعدا برای زندانی خود در مرکز حکومت فراهم آورد - مسجونانی هشت سال تمام در بیت کوچکی که در وسط هوای ناسازگار آن شهر واقع و تنها تفریح آن حضرت مشی در آن اطاق تنگ بود - اینها و نظیر اینگونه مصائب از طرفی ثابت میکند چه نوع بلایا و رزایی بر آن وجود مقدس وارد آمده و از طرف دیگر نشان میدهد صاحبان قدرت چگونه بعضی نسبت بانحضرت بدرفتاری پیشه ساخته و بعضی دیگر از روی اراده و میل از مساعدت و کمک خودداری کردند.

بنا براین تعجبی ندارد از قلم کسی که با اینهمه صبر و شکیبائی تحمل این متاعب فرموده این کلمات صادر شده باشد:

”رب ما یری و ما لا یری اینک برای جمیع بندگان ظهور نموده و وجود مبارکش بچنان زحمت و مصیبتی مبتلا گشته که اگر تمام دریاهاى عالم از آنچه مشهود و غیر مشهود است مرکب و تمام کائنات قلم گردد و تمام کسانیکه در روی زمین و آسمانند کاتب شوند بطور قطع و یقین از عهده شرح برنیایند (ترجمه) “ ” انی فی اکثر ایامی کنت کعبه یکون جالسا تحت سیف علق بشعرة واحدة و لم یدر متی ینزل اینزل فی الحین او بعد حین از ناس این زمان جز زخم سنان ندیده ام و غیر سم قاتل چیزی نچشیده ام - هنوز اثر حدید بر گردن باقی است و هنوز علائم جفا از بدن ظاهر“

بسلامتین مسیحی خطاب میفرماید :



TRANSLATION



AUDIO

”یا ایها الملوک قد قضت عشرين من السنين و کنا فی کل يوم منها فی بلاء جدید و ورد علينا ما لا ورد علی احد قبلنا ان انتم من السامعين بحیث قتلونا و سفکوا دماءنا و اخذوا اموالنا و هتکوا حرمتنا و انتم سمعتم اکثرها و ما کنتم من المانعین بعد الذی ینبغی لکم بان تمنعوا الظالم عن ظلمه و تحکموا بین الناس بالعدل لیظهر عدالتکم بین الخلائق اجمعین“

اکنون میتوان سوال نمود کدام پادشاه بود که پس از طلوع این ظهور مهیمن خواه در شرق و خواه در غرب عالم موفق شد صدای خود را در ستایش این ظهور اعظم و یا بر علیه آنانکه نسبت باو آزار و اذیت روا میداشتند بلند نماید؟ کدام ملت بود که در طی این اسارت طولانی برای جلوگیری از این امواج مصائب قیام نمود؟ کدام سلطان باستانی ملکه ئی که در افق جلال میدرخشید ندای مهیج حضرت بهاءالله را اجابت کرد؟ کدام یک از اعظم روی زمین نسبت باین امر نوزاد الهی با تصدیق و تأیید خود خواست کمک نماید؟ کدامیک از جماعات و احزاب و نژادها و شعب و طبقات مختلفه و تابعان افکار متفاوته لازم دانستند که نظر خود را بسوی نور تابان این امر متوجه ساخته و یا باصول بدیعه آن بدقت نگریسته و در روش اسرار آمیز آن تعمق کرده و رسالت گرانبهای آنرا قدر دانسته و قدرت حیات بخشیده آن را بشناسند و بحقیقت نجات دهنده آن گرویده و مبادی اصلی آنرا اعلان نمایند کدام یک از رجال معروف بدانش و عرفان جهان میتوانند بحقیقت ادعا کنند که پس از گذشتن قریب یک قرن توانسته است بیطرفانه بحقیقت امر او پی برده و پیغمبرخانه دعوتش را مورد دقت قرار داده و بقدر کفایت زحمت کشیده و معارف او را غور کرده و سعی بلیغ نموده باشد که حقایق را از تصورات تمیز دهد و بالاخره انطور که شایسته است نسبت بامر مبارکش نظری اتخاذ کرده باشد؟ کجا هستند آن پیشروان علوم و فنون - بغیر از چند مورد استثنائی - که برای دفاع یا ستایش از امریکه موهبت گرانبهای عالم بوده و آزار و اذیت بی پایان بر آن وارد آمده و برای دنیای عذاب کشیده و درمانده نوید آینده ئی درخشان در بر دارد یک کلمه موافق بر زبان رانده باشد؟

بر امواج محن و رزایی که بر حضرت اعلی وارد آمده و بر امطار مصائب طولانی که بر حضرت بهاءالله باریده و همچنین بر اندازاتی که مبشر و مؤسس امر بهائی اعلان فرموده باید بلایی که در مدت هفتاد سال حضرت عبدالهبا تحمل فرموده و همچنین نصائح و وصایائی که در آخرین ایام حیات خود درباره خطرات دائم التزیدیکه جامعه بشریت را تهدید میکند اضافه نمود. آنحضرت که در همان اوان تولد امر حضرت اعلی متولد گردید با آتش اذیت و آزاری که امر نوزاد او را احاطه کرده بود تعمید یافت و در سن هشت سالگی شاهد و ناظر انقلابات سختی گردید که امری را که پدر بزرگوارش پیروی میکرد از ریشه تکان داد و در اهانات و خطرات و مشقات حاصله از سرگونیهای متوالی از موطن اصلی بکشورهای بعیده شریک پدر خویش بود و پی از ورود بعکا در یک اطاق تاریک گرفتار و مجبور گردید بار حقارت حبس و اسارت را بر خود هموار نماید اول در دوره حکومت سلطان عبد الحمید و پس از آن در زمان حکومت استبدادی و نظامی جمال پاشای ظنین و خونخوار مورد استنطاقهای پیاپی و هدف حملات و لطومات دائمی قرار گرفته و بالاخره مقدر چنان بود که آن مرکز و محور عهد و میثاق بی نظیر حضرت بهاءالله و مثل اعلای تعالیمش هم از دست امرای جابر و علمای دین و دول و ملل آن جام مصائبی که حضرت باب و حضرت بهاءالله و گروه بسیاری از پیروانشان نوشیدند بچشند.

نفوسیکه برای ترویج امر جمال مبارک در اقطار غربیه میکوشند بخوبی با اندازاتی که حضرت عبدالهبا کتبا و شفاه در الواح و نطقهای بیشمار در دوره حبس طولانی و در طی مسافرت های بعیده بقاره اروپا و امریکا فرموده آشنا میباشند

چه بسا اوقات آنحضرت با کمال اشتیاق از اولیای امور و عامه مردم دعوت فرموده که بیغرضانه اصول و تعالیم منزله از طرف پدر بزرگوارش را مورد دقت و تمعن قرار دهند با چه دقت و تاکید اصول دینانی را که مشغول ترویج آن بود تشریح و مبادی اساسیه آنرا توضیح و علائم مشخصه آنرا تعیین میفرمود و اصول فلاح و نجات آنرا اعلان مینمود با چه تاکید هرج و مرج تهدید کننده و انقلابات و نائره اختلافات عمومی که فقط در سالیان اخیر عمر شریفش قوت میگرفت و معنای تصادم را بر جامعه بشری نشان میداد پیشگوئی میفرمود . آنحضرت در آلام و محن و تاثرات قلبیه وارده بر حضرت باب و حضرت بهاءالله شریک و سهم گردیده و نتیجه و ثمری که بدست آورد بهیچوجه با مساعی جمیله شدیده دائم آنحضرت تناسب نداشت اولین اضطرابات بلیه عظمی و جهانسوزی که برای جامعه انسانی غافل از خدا پیش آمد متحمل گردیده با تاثرات سالخوردگی و چشمانی تار و غبار آلود از طوفان دائم التزاید بس غافل از امر پدر بزرگوارش و قلبی بریان و خونین از سر نوشت محتوم فرزندان لجوج خدا عاقبت هیکل مقدسش در زیر ثقل مصائب و متاعب از بین رفت مصائبیکه ظالمین برای وارد ساختن آن بر آنحضرت و دو وجود مقدس قبل از ایشان عنقریب به حساب کشیده و بجزای خویش خواهند رسید.

در حینی که بلایا و رزایا از هر جهت احاطه کرده بود چنین فرمود:

”یا ربی الاهی روز صعود مرا بسوی خود و وفودم را بعتبه علیایت نزدیک گردان تا از ظلمت ظلم و جفائیکه مرا احاطه نموده رهائی یافته و در قرب رضوان قدست مقرر گزینم ای اله من مرا در ظل رحمت کبرایت مسکن و ماوی بخش (ترجمه) “ در لوح منیعی که در آخرین هفته حیاتش نازل شده چنین فرموده است:

”یا بهأ الاهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بیوفایان دلشکسته گشتم و در قفس این جهان چون مرغ هراسان بال و پر میزنم و هر روز ارزوی پرواز بملکوت میکنم یا بهأ الاهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از این بلایا و محن و صدمات و مشقت آزاد کن“

یاران عزیز افسوس و هزاران افسوس که چنین امر عظیم غیر قابل قیاس و چنین ظهور گرانبها و توانا و پاکی بدست چنین نسل بی بصیرت و بخودی گرفتار گردید و چنان رفتار فطریعی نسبت باو روا داشتند حضرت بهاءالله خود چنین شهادت داده:

”ای بندگان تالله الحق آن بحر اعظم لجی و مواج بس نزدیک و قریب است بلکه اقرب از حبل ورید بانی بان فیض صمدانی و فضل سبحانی و جود رحمانی و کرم عز ابهائی واصل شوید و فائز گردید .“